



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

موضوع

بررسی و مقایسه تحولی درک مولفه های مفهوم مرگ در دانش آموزان نابینای پایه های
چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر مریم سیف نراقی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر پرویز شریفی درآمدی

استاد داور

سرکار خانم دکتر شهین علیائی زند

پژوهشگر

معصومه ولی زاده

۱۳۸۷

قدر دانی

با تشکر و سپاس فراوان از خانم دکتر سیف نراقی که در این راه کمک فراوانی به من کردند و با راهنمایی هایشان همواره مرا یاری دادند و نکات ارزنده ای را به من آموختند و زحمت راهنمایی مرا در اجرای این پروژه بر عهده گرفتند.

و همچنین تشکر فراوان از آقای دکتر شریفی در آمدی که به عنوان استاد مشاور مرا یاری و راهنمایی نمودند و همیشه یاریگر دانشجویان بوده اند.

و همچنین تشکر از خانم دکتر علیایی زند که به عنوان استاد داور نکات ارزنده ای را به من آموختند و زحمت داوری بنده را بر عهده گرفتند.

تقدیم

تقدیم به پدر و مادر عزیزم که همواره مرا در سختی ها کمک کردند و دلسوز و یاری گر من بودند.

تقدیم به همسر مهربانم که همیشه مرا به ادامه راه دلگرم می ساخت و در دشواریها و مشکلات مرا همراه و همفکرو یاور بود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول- طرح تحقیق
۲	چکیده
۳	مقدمه
۷	بیان مساله
۷	اهمیت و ضرورت موضوع
۹	اهداف تحقیق
۱۰	سوالات تحقیق
۱۱	فرضیه های تحقیق
۱۱	روش تحقیق
۱۱	جامعه، روش نمونه گیری، حجم نمونه
۱۲	روش جمع آوری داده ها و ابزار آن
۱۴	روش تجزیه و تحلیل داده ها
۱۵	مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق
۱۶	تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح
۱۸	فصل دوم- پیشینه تحقیق
۱۹	مقدمه
۲۱	مولفه های مفهوم مرگ
۲۲	واکنش های سوگ در کودکان
۲۴	برداشت کودکان در سنین مختلف از مفهوم مرگ
۲۵	ترس های کودکان خردسال از مرگ
۲۶	تبیین اندوه، سوگواری و داغدیدگی در کودکان
۲۸	فهم نوجوانان از مرگ
۲۹	ترس های نوجوانان
۳۱	درمان داغدیدگی در نوجوانان
۳۳	با کودک چگونه از مرگ صحبت می کنید؟
۳۶	تعریف نابینایی

عنوان

صفحه

۳۷	طبقه بندی کودکان با مشکلات بینایی
۳۹	علل آسیب های بینایی
۳۹	نقایص و ناهنجاریهای رایج بینایی
۴۲	شیوع نقص بینایی
۴۳	تاثیر اختلالات بینایی در فرآیندهای تحول روانی
۴۳	تاثیر نابینایی بر رشد داخلی کودک
۴۴	تاثیر نابینایی بر تجربه ی اکتسابی
۴۵	تاثیر نابینایی بر تفویض ها و انتقال های اجتماعی
۴۵	تاثیر نابینایی بر تعادل جوی
۴۶	تاثیر نابینایی بر رشد شناختی
۴۶	تاثیر نابینایی بر رشد حرکتی
۴۷	تاثیر نابینایی بر روی کنش های رمزی: تقلید، بازی رمزی و تصویر ذهنی
۴۹	ویژگی ها و محدودیت های روانشناختی کودکان نابینا
۴۹	توانایی هوشی
۵۰	توانایی مفهوم سازی
۵۲	درک مفاهیم مربوط به فضا
۵۳	تحول ادراکی و جبران حسی
۵۴	تحول اجتماعی و عاطفی و سازش یافتگی شخصیت
۵۵	تکلم و مهارت های کلامی
۵۶	تحرك و جهت یابی
۵۸	تحول مفهوم خود (تصور از خود)
۵۹	رفتارهای قالبی (کلیشه ای)
۶۰	پیشرفت تحصیلی
۶۱	سوابق مربوط
۶۱	الف- مطالعات صورت گرفته در کشورهای مختلف
۶۶	ب- مطالعات صورت گرفته در ایران
۷۰	فصل سوم- روش تحقیق

عنوان	صفحه
مقدمه	۷۱
روش انجام تحقیق	۷۱
جامعه آماری	۷۲
نمونه و نحوه گزینش آن	۷۲
روش جمع آوری اطلاعات و ابزار آن	۷۳
روش آماری	۷۵
فصل چهارم- یافته ها و تجزیه و تحلیل آنها	۷۷
مقدمه	۷۸
الف- بخش توصیفی	۷۸
۱- بررسی سوالات مربوط به مولفه ثبات	۷۸
۲- بررسی سوالات مربوط به مولفه عمومیت	۸۰
۳- بررسی سوالات مربوط به مولفه عدم کنش وری	۸۳
ب- بخش استنباطی	۸۷
فرضیه اول تحقیق	۸۷
فرضیه دوم تحقیق	۸۷
فرضیه سوم تحقیق	۸۸
یافته های جانبی تحقیق	۹۰
قسمت اول: جنسیت و سن فرد مرده	۹۰
قسمت دوم: فرد مرده در داستان چه کسی است؟	۹۱
قسمت سوم: علت مرگ فرد مرده	۹۲
قسمت چهارم: داستان واقعی یا تخیلی؟	۹۲
قسمت پنجم: چه مدت زمانی است که مرده؟	۹۳
فصل پنجم- خلاصه تحقیق، نتایج و پیشنهادها	۹۴
مقدمه	۹۵

عنوان	صفحه
خلاصه تحقیق	۹۵
نتایج عمده	۹۷
مؤلفه اول: مؤلفه ثبات یا بازگشت ناپذیری مفهوم مرگ	۹۷
مؤلفه دوم: مؤلفه عمومیت مفهوم مرگ	۹۸
مؤلفه سوم: فقدان کنش وری	۹۹
بحث در نتایج تحقیق	۱۰۰
پیشنهادهای تحقیق	۱۰۲
الف- پیشنهادهای حاصل از تحقیق	۱۰۲
ب- پیشنهادهایی برای محققان آینده	۱۰۲
پیوست شماره ۱	۱۰۴
منابع	۱۰۵
منابع فارسی	۱۰۵
منابع انگلیسی	۱۰۸

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول 4-1، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های مرتبط با سوالهای 3 و 2.....	79
(درک مولفه ثبات مفهوم مرگ)	
جدول 4-2، نمره های خام برای سه گروه (مولفه ثبات).....	80
جدول 4-3، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های مرتبط با سوالهای 6 و 5 و 4.....	81
(درک مولفه عمومیت مفهوم مرگ)	
جدول 4-4، پاسخ های صحیح دانش آموزان به سوالات 8 و 5 و 2 مولفه عمومیت.....	82
جدول 4-5، درصد پاسخ های مرتبط با سوالهای 8 و 5 و 2.....	83
(مولفه عمومیت مفهوم مرگ)	
جدول 4-6، توزیع فراوانی پاسخ های مرتبط با سوالات 8 و 7.....	84
(درک مولفه عدم کنش وری مفهوم مرگ)	
جدول 4-7، پاسخ های غیر متمرکز بر بدن به سوالات 8 و 7.....	85
(مولفه عدم کنش وری مفهوم مرگ)	
جدول 4-8، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های متمرکز و غیر متمرکز بر بدن.....	85
جدول 4-9، خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای داده های جدول 4-2.....	87
جدول 4-10، خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای داده های جدول 4-4.....	88
جدول 4-11، خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای داده های جدول 4-7.....	89
جدول 4-12، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های مرتبط با جنسیت و سن فرد مرده.....	90
جدول 4-13، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های مرتبط با نسبت شخص مرده در داستان.....	91
جدول 4-14، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های مرتبط با علت مرگ فرد مرده.....	92
جدول 4-15، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های مرتبط با واقعی یا تخیلی بودن داستان.....	92
جدول 4-16، توزیع فراوانی و درصد پاسخ های مرتبط با زمان مرگ فرد مرده.....	93

فصل اول

طرح تحقیق

چکیده

لازمه درک کامل مفهوم مرگ ، درک هر یک از مولفه های ثبات، عمومیت و فقدان کنش وری می باشد. درک مولفه ثبات با رسیدن به تفکر عملیات عینی و درک مولفه های عمومیت و فقدان کنش وری با رسیدن به تفکر انتزاعی امکان پذیر می باشد. درک هر یک از این مولفه ها میزان رشد شناختی و عوامل محیطی تاثیر دارند. تحقیق حاضر به منظور بررسی و مقایسه تحولی درک مولفه های مفهوم مرگ در دانش آموزان نابینای پایه های چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان صورت گرفته است.

تعداد کل آزمودنی ها در هر پایه تحصیلی ۱۵ نفر بوده است که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند.

ابزار تحقیق پرسشنامه ای از نوع محقق ساخته بوده است که سوالات مربوط به درک هر یک از مولفه های مفهوم مرگ را در بر داشته است. برای پاسخگویی آزمودنی ها به این سوالات این پرسشنامه از ساخت داستان و مصاحبه استفاده شده است. نتایج نشان داد که:

دانش آموزان نابینای پایه های چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان به درک مولفه ثبات در مفهوم مرگ رسیده اند و در درک این مولفه با هم تفاوتی نداشتند.

در مورد درک مولفه عمومیت در مفهوم مرگ نیز اکثریت دانش آموزان هر سه مقطع به درک این مولفه رسیده بودند اما طبق محاسبات آماری آزمون در رسیدن به این مولفه با هم تفاوت معنی داری داشتند.

در درک مولفه فقدان کنش وری بین دانش آموزان سه پایه تحصیلی تفاوت معنی داری نبود و اکثریت دانش آموزان به درک این مولفه رسیده بودند.

مقدمه

یکی از قوانین غیر قابل تغییر دنیای ما مرگ است و قانونی است که شامل همه می شود و هر چه جاندار است را دربرمی گیرد و تبعیض یا استثنایی بر این قانون وجود ندارد. (مهرآبادی، ۱۳۷۵، ص ۱۰) اندیشیدن در مورد مرگ و تأمل در آن در عصر حاضر که ارتباطات و اطلاع رسانی از ویژگیهای بارز آن است، شدت بیشتری پیدا کرده است (آهنجان، ۱۳۷۶، ص ۸)

اگر چه مرگ تنها اتفاقی است که همه ما از وقوع آن در آینده مطمئن هستیم اما همیشه در اندیشه های خود آن را پس می زنیم، فکر اینکه روزی مرگ فرا خواهد رسید، اندیشیدن به میدان زمانی محدود برای زندگی، برای اکثر مردم مطالبی است که خیلی دیر درک می شود و در ابتدا فاقد انعکاس هیجانی است. در واقع علم به این که روزی شخص باید بمیرد، برای خیلی از مردم در طول زندگیشان رنگ واقعیت ندارد، تا حدودی به این دلیل که مفهوم نیستی برایشان قابل درک نیست. (پورافکاری، ۱۳۷۰، ص ۵۸)

مرگ مطلب دشواری است برای گفتگو، اول از همه سیستم زبانی خاصی برای آن وجود ندارد، چرا که زبان برای زندگی است و مرگ را فقط می توان از کنار زندگی مشاهده کرد. "توضیح مرگ به کودکان یکی از سخت ترین کارها برای اولیاست، به خصوص هنگامی که یکی از آنها با غم مرگ عزیزی دست به گریبان هستند. اما مرگ یک بخش غیر قابل انکار از زندگی است و چه بخواهیم و چه نخواهیم، از خردسالی کودکان نسبت به آن کنجکاو می شوند و به فهمیدن و پرسیدن درباره روش هایی که احساس غم مربوط به آن را به طور طبیعی نشان بدهد، علاقمند هستند". (سایت پایگاه جامع زنان ایران، ۱۳۸۶، ص ۱)

کودک امروز شاید بیش از آنچه والدین تشخیص می دهند از واقعیت مرگ آگاه است. مردن فرد مورد علاقه بخشی از چرخه زندگی است که برای کودکان نیز به اندازه بزرگسالان غم و غصه به همراه دارد. (نجم عراقی، ۱۳۸۲، ص ۲۶)

کودک پیش از دبستان شروع به فرا گرفتن چیزهایی درباره مرگ و ترس از آن می کند. این کودکان ممکن است فرض کنند که مرگ پدیده ای موقتی و برگشت پذیر مانند کارتون ها می باشد. آن ها نمی دانند که مرگ پدیده ای دائمی است و هرکس و هر چیزی که زنده است عاقبت می میرد و اینکه فرد مرده غذائی خورد، نمی خوابد و نفس نمی کشد. (کوبین^۱، ۲۰۰۱، ص ۱)

کودک ۶-۹ سال درک بهتری از مرگ دارد زیرا او به مفهوم نگهداری ذهنی دست یافته و میداند که مرگ بازگشت پذیر نیست و امری دائمی می باشد ولی باز هم در این دوره مرگ را برای افرادی که برای او مهم نیستند یا رابطه خوبی با آنها ندارد ممکن می داند و برای خود و عزیزانش دورتر می داند. (خبرنامه انجمن روانپزشکی کودک و نوجوان، ۱۳۸۲، ص ۲۳)

درک کودک ۹-۱۲ سال از مرگ به درک بزرگسالان نزدیک می شود، آنها در مورد تغییرات دنیای اطرافشان احساس نگرانی دارند و ممکن است از مرگ خود و والدین بترسند، واکنش انکار را نشان دهند و هنگام مرگ نزدیکان ابتدا تظاهر کنند که هیچ اتفاقی نیفتاده اما ناگهان احساسات شدیدی را نشان دهند. (خسرو شاهی، ۱۳۸۵، ص ۵)

آنها کاملاً " مفهوم مرگ و نیستی را درک می کنند و سعی می کنند با مساله مرگ مانند بزرگسالان رفتار کنند. کودکان در این مرحله می دانند که مرگ برای هر فرد محتمل شدنی و اجتناب ناپذیر است و برداشت انتزاعی تری از مرگ در ذهن دارند. (سلحشور، ۱۳۸۵، ص ۴۶)

"با گذار از کودکی به نوجوانی رشد شناختی نیز متحول شده و پیشرفت می کند. طی این مرحله فهم و ادراکات قبلی مجدداً "آزمایش، تحلیل و تغییر می یابند. نوجوانان تا حدودی گرایش فلسفی پیدا کرده و اغلب با اصطلاحات انتزاعی تری به مرگ می اندیشند.

^۱ Kubbin

در این سن آنها به روشنی مرگ را به عنوان توقف کنش ها تلقی می کنند. اگر از آنها پرسند وقتی مردم می میرند چه اتفاقی می افتد؟ میگویند: زندگیشان متوقف می شود، قلب از ضربان می افتد... و به جزئیات ناخوشایند مرگ و تغییرات جسمی پس از مرگ کنجکاوی نشان می دهند. آنها مرگ را یک پایان می بینند و به آن به مانند یک دشمن می نگرند، آنها تمایل دارند با همسالان نشان سوگواری کنند تا با بزرگسالان. آنها به لحاظ اینکه می توانند تصور کنند که مردن شبیه چیست، می تواند منجر به ترس در آنان شود. مرگ، وحشتناک، ترسناک، و بدترین چیزی است که می تواند در زندگی اتفاق بیفتد. یک زندگی طولانی شاید آرامش بخش ترین فکری باشد که درباره مرگ دارند". (نجاریان، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰)

کارشناسان معتقدند که درک کردن مرگ، مفاهیم جامعی از جمله غیر قابل برگشت، قطعیت، غیر قابل اجتناب و علیت را در برمیگیرد. (کورد و کورد^۱ ۱۹۹۶، به نقل از نجم عراقی ۱۳۸۲، ص ۷) مطالعات اسپیس و برنت^۲ (۱۹۸۴) نشان داد که درک کاملتر مفهوم مرگ نیاز مند ظهور تفکر انتزاعی است که در دوره نوجوانی اتفاق می افتد. از دید بزرگسالان درک مفهوم مرگ متضمن همجوار قرار دادن سه مولفه اساسی از مرگ می باشد: ((ثبات، عمومیت، فقدان کنش وری)). (اسپیس و برنت ۱۹۸۴، به نقل از برمر، ۱۳۷۳، ص ۳۴)

منظور از ثبات در درک مفهوم مرگ آن است که مرگ یک رویداد دائمی و برگشت نا پذیر می باشد.

منظور از مولفه عمومیت در درک مفهوم مرگ، در نظر گرفتن مرگ برای همگان می باشد و صرفاً برای دیگران یا بیگانگان تلقی نمی شود.

مولفه فقدان کنش وری در درک مفهوم مرگ مربوط به نبود علائم حیاتی مانند نفس

کشیدن، خوردن، خوابیدن، فکر کردن و... می باشد. که در دوره عملیات صوری، مفهوم مرگ

۱- Korder&Korder

۲- Space & Brent

تمامی جنبه های اعمال حیاتی را در بر میگیردحتی آنهایی که از میدان دید و حس کودک خارج است. (برمر، ۱۳۷۳، ص)

حال محقق در این تحقیق درصدد روشن کردن این موضوع است که وجود مشکل دربینایی تا چه اندازه در درک مولفه های مفهوم مرگ تاثیر می گذارد.

"پیازته تجارب حسی حرکتی مثل دیدن و شنیدن را عامل مهمی در تحول شناختی کودک و رسیدن او به مرحله پیشرفته تحول منطقی می داند. در این صورت آیا این محرومیت حسی تحول روانی کودک نابینا را به تاخیر می اندازد؟

ادراکات یک کودک نابینا ممکن است بر اساس درون دادهای سایر حواس به غیر از بینایی باشد. واضح است که تجارب یادگیری کودک نابینا به طور معنی داری بخاطر فقدان بینابیش محدود است. "وارن در سال ۱۹۸۴، ادبیات تحول هوشی مربوط به کودکان نابینا را مرور کرد و گزارش کرد که کودکان نابینا در برخی از حوزه ها نسبت به کودکان بینای همسن و سال خود پایین تر هستند. این حوزه ها، طیفی از درک مفاهیم یا دانش کلی درباره جهان را شامل می شوند.

مطالعات بر روی تحول شناختی نشان می دهد توانایی کودکان نابینا در شنیدن و توانایی برقراری ارتباط کلامی با دیگران این امکان را به آن ها می دهد که توانایی ذهنی خود را به طور مناسبی جهت انجام طیف معمولی از آزمون های استاندارد تحول بخشند. با این وجود پژوهشگران زیادی عقیده دارند که کنش هوشی افراد نابینا می تواند به طور منفی تحت تاثیر نابینایی قرار بگیرد.

تعداد زیادی از پژوهش ها نشان داده اند که تحول توانایی های شناختی یا ادراکی کودکان نابینا از کودکان بینا عقب تر است. همچنین کودکان نابینا در تکالیفی که به تفکر انتزاعی نیاز دارد، عملکرد ضعیف تری دارند و آن ها اغلب به روش عینی و مشخص با محیط خود برخورد می کنند یا در درک جنبه های ملموس محیط توانا ترند. از نظر پیازته غیر منتظره

نیست که کودکان نابینا در درک و فهم تکالیف مفهومی عقب مانده تر باشند. (شریفی

درآمدی، ۱۳۷۹، ص ۸۸-۸۹)

بیان مساله

در این تحقیق محقق می خواهد تاثیر متغیر زمان را در درک مولفه های مفهوم مرگ (ثبات، عمومیت، عدم کنش وری) نزد افراد نابینای پایه های چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان بررسی کند.

متغیرهای درگیر در موضوع تحقیق، زمان است که به عنوان متغیر مستقل یا تاثیر گذار می باشد و درک مولفه های مرگ (ثبات، عمومیت، عدم کنش وری) که به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد. محقق قصد دارد تا اثر گذر زمان را بر این مولفه ها (چگونگی درک آن ها) نزد دانش آموزان نابینا مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت و ضرورت موضوع

"مرگ یکی از پدیده های مهم زندگی انسان به شمار می رود و شاید نتوان هیچ پدیده دیگری را چون مرگ همپای مساله حیات به شمار آورد. مرگ امری اجتناب نا پذیر است و هر فردی باید با آن روبرو شود. از هر ۲۰ کودک یک کودک در دوران کودکی با مرگ یکی از والدین خود مواجه می شود. در واقع هر کودکی مرگ را با از دست دادن پدر یا مادر بزرگ، دوست یا ... تجربه می کند. میزان فهم هر کودک از مرگ به رشد آگاهی شناختی او بر می گردد." (نشریه موفقیت، مومن خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۶)

"بر اساس آمار منتشر شده توسط سازمان بهداشت جهانی حدود ۱۸۰ میلیون نفر در سطح جهان دچار اختلالات بینایی هستند. از این رقم حدود ۴۵ میلیون نفر به طور مطلق نابینا هستند. تا آن جا که محقق بررسی کرده است، آمار قابل استناد در ایران پیدا نشد اما چنانچه ارقام بین المللی را که برای کشورهای در حال توسعه یک در صد جمعیت است در نظر بگیریم، می توان چنین نتیجه گیری نمود که حدود ۷۵۰۰۰ نفر در کشور دچار اختلالات بینایی هستند که افراد نابینا و کم بینا را در بر می گیرد." (ضیایی، سایت نابینایان کرج، ۱۳۸۶)

"بر اساس آمار آموزش و پرورش، در حال حاضر ۵۰۰۰ دانش آموز نابینا در کشور مشغول تحصیل هستند."

وقتی کودکان با پدیده مرگ رو برو می شوند می خواهند بدانند چه اتفاقی افتاده است؟ چگونه اتفاق افتاده است؟ و پس از آن چه خواهد شد. این ها بیانگر رشد طبیعی و بهنجار کودک است و سزاوار ارزش گذاشتن و توجه است." (شرافتی، ۱۳۷۶، ص ۲۴)

تبیین و توضیح مرگ برای کودکان نابینا با توجه به درک آنها از مرگ ضروری است و چنانچه چگونگی درک آنها را از مرگ در سنین مختلف بدانیم، مثمر ثمر خواهد بود.

تجربه عاطفی یک کودک از مرگ و آگاهی او از وضعیت فانی بودن خویش، از حیث رشد و بلوغ روحی عمومی او بسیار اهمیت دارد. غالباً کودکانی که به طرز ناگهانی و خشنی با مفهوم مرگ آشنا شده اند، در بزرگسالی یک دیدگاه بدبینانه نسبت به زندگی دارند و غالباً دچار تشویش هستند، هر چند که از ارتباط بین اختلال های عصبی و تجربه هایشان از مرگ نا آگاهند. (مهر آبادی، ۱۳۷۵، ص ۱۷)

چون موضوع مرگ یکی از موضوعات مهم برای کودکان و دانش آموزان می باشد به طوریکه به دفعات زیاد در مورد آن از دیگران سوال می پرسند، پس یافته های این تحقیق می

تواند به والدین، معلمان، و دیگر کسانی که با آنان سر و کار دارند در پاسخگویی به سوالات آنها کمک کند.

تحقیق حاضر می تواند به بهداشت روانی فرد نابینا نیز زمانی که یکی از اعضای خانواده آنها و یا فامیل یا فرد عزیزی، می میرد کمک بیشتری بنماید. زیرا می توانیم به چگونگی تفکر و درک کودکان نابینا در ۳ مرحله سنی پی برده و راهنمایی ها و کمک های لازم را ارائه نماییم.

چون در کشور ما و در جهان در زمینه درک دانش آموز نابینا از مفهوم مرگ کمتر کار شده است، محقق می خواهد به تفاوت ها و تشابهات در پاسخ های ارائه شده از طرف گروه های سنی مورد مطالعه بپردازد.

اهداف تحقیق

عمده ترین هدفهای این تحقیق عبارت است از:

۱- بررسی تحولی درک مولفه های مفهوم مرگ در دانش آموزان نابینای چهارم ابتدایی، دوم

راهنمایی، سوم دبیرستان شهر تهران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

۲-ارایه پیشنهاد های موثر بر اساس یافته های این تحقیق به مسولین و والدین

سوالات تحقیق

- ۱- آیا دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی مولفه ثبات در مفهوم مرگ را درک می کنند؟
- ۲- آیا دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی مولفه عمومیت در مفهوم مرگ را درک می کنند؟
- ۳- آیا دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی مولفه عدم کنش وری در مفهوم مرگ را درک می کنند؟

- ۴- آیا دانش آموزان پایه دوم راهنمایی مولفه ثبات در مفهوم مرگ را درک می کنند؟
- ۵- آیا دانش آموزان پایه دوم راهنمایی مولفه عمومیت در مفهوم مرگ را درک می کنند؟
- ۶- آیا دانش آموزان پایه دوم راهنمایی مولفه عدم کنش وری در مفهوم مرگ را درک می کنند؟

- ۷- آیا دانش آموزان پایه سوم دبیرستان مولفه ثبات در مفهوم مرگ را درک می کنند؟
- ۸- آیا دانش آموزان پایه سوم دبیرستان مولفه عمومیت در مفهوم مرگ را درک می کنند؟
- ۹- آیا دانش آموزان پایه سوم دبیرستان مولفه عدم کنش وری در مفهوم مرگ را درک می کنند؟

فرضیه های تحقیق

- ۱- در درک مولفه ثبات مفهوم مرگ بین دانش آموزان نابینای چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان تفاوت وجود دارد.
- ۲- در درک مولفه عمومیت مفهوم مرگ بین دانش آموزان نابینای چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان تفاوت وجود دارد.
- ۳- در درک مولفه فقدان کنش وری مفهوم مرگ بین دانش آموزان نابینای چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، تحقیق مقطعی می باشد. هدف در این دسته تحقیقات، بررسی و مطالعه تغییرات در نتیجه گذشت زمان است. (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۷)

با توجه به موضوع تحقیق نیز، روش تحقیق مقطعی به کار گرفته شده است. زیرا درک مولفه های مفهوم مرگ در ۳ مقطع سنی، ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان، بررسی می شود.

جامعه، روش نمونه گیری، حجم نمونه

جامعه آماری:

کلیه دانش آموزان نابینای دختر و پسر که در شهر تهران در مراکز آموزشی نابینایان مشغول تحصیل هستند. و در پایه های چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان هستند.

روش نمونه گیری:

با توجه به اینکه در تهران ۳ مرکز آموزشی نا بینایان به نامهای شهید محبی (پسرانه)،
دکتر خزایی (پسرانه) و نرجس (دخترانه) وجود دارد، از روش نمونه گیری تصادفی ساده
استفاده می شود.

حجم نمونه:

از بین کلیه دانش آموزان ۳ مرکز آموزشی، بصورت تصادفی نمونه ای با حجم ۴۵
نفر به ترتیب زیر انتخاب شده اند:

۱۵ دانش آموز پایه چهارم ابتدایی

۱۵ دانش آموز پایه دوم راهنمایی

۱۵ دانش آموز پایه سوم دبیرستان

شایان ذکر است که دانش آموزان با سایر مشکلات مانند مشکل شنوایی یا تکلم به
عنوان نمونه انتخاب نشده اند.

روش جمع آوری داده ها و ابزارهای آن

چون در مورد درک مفهوم مرگ در کشور ما در حال حاضر ابزار استاندارد وجود ندارد،
محققینی که در این زمینه کار کرده اند در این زمینه از سوالات محقق ساخته استفاده کرده اند.